

عوامل قضایی و فرا قضایی موثر در بزه دیدگی مضاعف زنان در جرم تجاوز (مطالعه محتوای هشت پرونده تجاوز)

دکتر راضیه قاسمی^۱

عضو هیات علمی دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی

الهه سیدی

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

چکیده

بزه دیدگی مضاعف یا ثانویه یکی از معضلات جامعه امروزی می باشد که از رهگذر پاسخگویی افراد (مانند اعضای خانواده و دوستان بزه دیده) و یا برخی نهادها (به ویژه نظام عدالت جنایی، پلیس، دادسرا، دادگاه و...) به بزه دیده وارد می شود و به عبارتی ورود بعدی هرگونه آسیب جسمی، روانی و عاطفی به شخص قربانی برای قرار گرفتن وی در جایگاه یک قربانی جنسی است. در جامعه ما با توجه به اینکه یک کشور اسلامی هستیم، عناصری مانند حیا، عفت، پاکدامنی و... در آن ارزشمند می باشد و از زنان جامعه بیشتر انتظار رعایت این موارد می رود و فرهنگ مردسالارانه آن که ناشی از تعصباتی است که از فرهنگ قدیم به نسل جدید منتقل شده است و جاری بودن این فرهنگ در نظام عدالت کیفری و نظام اجرایی کشور، اگر زنی قربانی جرم تجاوز جنسی قرار بگیرد و به این نهادها به عنوان نهادی که عدالت را بین مردم جامعه برقرار می کند مراجعه کند و طلب حق خواهی کند ممکن است

^۱ نویسنده مسئول

با واکنش سرکوبگرایانه و برچسب زن آنان روبرو شود و خود قربانی را در روند بزه دیده واقع شدن در این جرم مقصر قلمداد کنند. این واکنش سرکوبگرایانه حتی از طرف خانواده قربانی و گروه دوستان و نهادهای دیگر اجتماع نیز ممکن است اتفاق بیفتد که این امر ناشی از عدم فرهنگ مناسب جهت چگونگی برخورد با این قربانیان و عدم توجه و جرم انگاری این واکنش و پاسخگویی سرکوبگرایانه و برچسب زننده از طرف قانونگذار می باشد.

واژگان کلیدی: زنان بزه دیده، بزه دیدگی ثانویه، بزه دیدگی مضاعف، جرایم جنسی

مقدمه

تعارضات و ناهنجاریهای موجود در اجتماع باعث ایجاد مثلث جرم، مجرم و بزه دیده میشود، یک طرف این مثلث بزه دیده است که قربانی جرم واقع شده است. بزه دیده معادل واژه victim در ادبیات لاتین میباشد که در تعریف آن میتوان گفت بزه دیده شخصی است که به دنبال رویداد یک جرم آسیب و زیان یا آزار میبیند. بزه دیدگی یا بزه دیده واقع شدن به دنبال اقدامات بشری بر اساس معیارهای مختلفی طبقه بندی می شود که یکی از این تقسیمات قربانی واقع شدن ساختاری است که قربانی شدن به وسیله جامعه، فرهنگ، دولت، نظام عدالت کیفری و... است که در تقسیمات جرم شناسی این بزه دیدگی ساختاری را بزه دیدگی مضاعف یا ثانویه نامیده اند که از رهگذر پاسخگویی افراد (مانند اعضای خانواده و دوستان بزه دیده) یا برخی نهادها (به ویژه نظام عدالت جنایی، پلیس، دادسرا، دادگاه و...) به بزه دیده وارد میشود، بر این پایه بزه دیدگی ثانویه در برگیرنده پیامدهای نامطلوب و نامناسب مادی (بدنی، روانی، مالی) و معنوی (عاطفی و حیثیتی) برای بزه دیده، ناشی از افراد و نهادهای پاسخگو در برابر رویداد مجرمانه است که بزه دیده شناسی حمایتی یا ثانویه به عنوان یک رشته مطالعاتی جدید به این مهم پرداخته است که به عنوان یکی از حوزه های مطالعاتی منشعب از دانش جرم شناسی می باشد که در آن قصد و هدف مطالعات حمایت از بزه دیده و تسکین آلام وی است. (زکوی، ۱۳۹۰، ۴۲) بزه دیدگان را می توان با توجه به متغیرهای مختلف در گروه هایی خاص (مانند زنان، کودکان، سالمندان، اقلیت ها و...) جای